هو اللّه - ای عبدالحسين، چون بنگارش اين نامه پرداختم تحرّی نعت و لقبی نمودم که عنوان خطاب نمايم.

عبدالبهآء

اصلی فارسی



# هو اللّه

ای عبدالحسين، چون بنگارش اين نامه پرداختم تحرّی نعت و لقبی نمودم که عنوان خطاب نمايم. نهايت از اسم مبارکت که دلالت بر عبوديّت جمال قدم ‌می‌نمايد نعت و ستايشی و لقب و عنوانی اعظم نيافتم. لهذا باين عنوان جليل ترا خطاب نمايم و اميدم چنانست که در اين عنوان شريک و سهيم باشيم. زيرا هر دو نام يک مضمون و يک معنی ولی اسم تو بعبوديّت آستان مشتق از صفت جامعه است نه از اسماء اعلام ولی اين عبد مأيوس و محروم از آن. زيرا تو موفّقی و من مبتلا در وادی حرمان. باری بايد بخدمتی موفّق گردی که لايق و شايان اين عنوانست و الّا تو را نيز مانند من اسم بی‌ مسمّی در حيّز امکان. پس بايد در حقّ يکديگر دعا نمائيم و تضرّع و زاری کنيم و عجز و بيقراری نمائيم تا حضرت رحمن آنچه را لايق اين نام است سزاوار و شايان فرمايد. اگر اين فضل و احسان ظاهر و عيان شود طوبی لک و لی من هذا المقام الأعلی. و الّا مورث زيان و خسران در هر دو جهان پس ای عزيز قدر الطاف بی‌پايان مولای خويش بدان اينکه تو را هدايت بجهان جاودان نمود دل منوّر کرد مشام معطّر فرمود ديده روشن کرد و جان گلشن فرمود و حضرت پدر مهربان چون ببقعه مقدّسه رسيد سر بآستان نهاد و از برای تو تأييد بی‌ پايان خواست قدر اين پدر بدان و در خدمت او پايدار باش زيرا مهربانست و شفيع تو در آستان حضرت يزدان. و عليک البهآء الأبهی ع ع

